



مرکز تحقیقات و بررسی‌های اقتصادی

# اقتصاد به زبان ساده

(شماره ۲۲)

تامین مال تولید

تهیه شده در:

معاونت اقتصادی

مرکز تحقیقات و بررسی‌های اقتصادی

۳۰ مهرماه ۱۳۹۶



## پیشگفتار

به منظور آشنایی هرچه بیشتر علاقمندان با مفاهیم اقتصادی و به کارگیری صحیح این موارد در تحلیل‌های اقتصادی، ایده تهیه و ارائه بروشورهایی با عنوان "اقتصاد به زبان ساده" در معاونت اقتصادی اتاق ایران طرح گردید و توسط مرکز تحقیقات و بررسی‌های اقتصادی به اجرا درآمد. نسخه پیش‌رو، بیست و دومین خروجی این ایده می‌باشد. به منظور بهبود نسخه‌های بعدی، در انتها یک فرم ارزیابی تهیه و تنظیم گردیده است که خواهشمندیم فرم مذکور را تکمیل و از طریق دبیر کمیسیون خود یا آدرس ایمیل [research-center@iccim.ir](mailto:research-center@iccim.ir)، مرکز تحقیقات را از نظرات ارزشمند خود آگاه سازید.

## نظام مالی و وظایف آن

مجموعه نهادهایی که تامین مالی بخش‌های واقعی اقتصاد را به عهده دارند، نظام مالی را تشکیل می‌دهند. نظام مالی شامل ابزارها (مانند وام‌های بانکی و اوراق سهام)، نهادها (مانند بانک‌ها، سازمان بورس) و بازارهای مالی (جایی که افراد به انتشار و مبادله اوراق بهادار مشغولند) است.

ایجاد رابطه بین سرمایه‌گذاران یا دارندگان وجوه و سرمایه‌پذیران یا کسانی که به تامین مالی نیاز دارند، وظیفه اصلی نظام مالی است. در این راستا دو کارکرد مهم نظام مالی، تخصیص منابع، جذب و تجهیز پس‌اندازها و توزیع ریسک است که در ادامه توضیح داده می‌شود.

### ۱- تخصیص منابع؛ جذب و تجهیز پس‌اندازها

در یک اقتصاد، همواره افرادی هستند که پول و سرمایه دارند ولی نمی‌دانند چگونه اقدام به سرمایه‌گذاری کنند و یا توان و ظرفیت لازم برای سرمایه‌گذاری را ندارند. از سوی دیگر افرادی وجود دارند که تمایل و توانایی فعالیت در بخش واقعی اقتصاد، یعنی تولید کالا و خدمات را دارند ولی امکانات مالی لازم را ندارند. در این شرایط، برخی از نهادهای نظام مالی (از جمله بانک‌ها)

منابع مالی را از گروه اول (پس انداز کنندگان) جذب می‌کنند و با ضوابط و مقررات خاص در اختیار گروه دوم (تولید کنندگان) قرار می‌دهند که به آنها واسطه‌گران مالی می‌گویند.

در یک نظام مالی سالم و کارآمد، جذب منابع مازاد و تخصیص آن به فرصت‌های سرمایه‌گذاری در بخش‌های حقیقی اقتصاد و به ویژه تولید، باعث افزایش رشد و توسعه اقتصادی می‌شود، دسترسی تولیدکنندگان به منابع مالی را بیشتر می‌کند و از این طریق هزینه تأمین مالی تولید کاهش می‌یابد.

یکی از مهم‌ترین واسطه‌گران مالی، بانک‌ها هستند.<sup>۱</sup> اگر بانک‌ها در خدمت بخش حقیقی اقتصاد نباشند، خود می‌توانند عاملی برای بر هم زدن تعادل بازارها و سوق یافتن منابع به بخش‌هایی باشند که کارکرد توسعه‌ای به همراه ندارند.

## ۲- توزیع خطر و ریسک فعالیت اقتصادی

سرمایه‌گذاری و تولید کالاها و خدمات همواره با ریسک‌های مختلفی همراه است. ریسک‌ها انواع گوناگونی دارند که هریک سرمایه‌گذاری را به نوعی متأثر می‌سازند. یکی از مهم‌ترین این ریسک‌ها، ریسک سیاسی است. تصمیمات سیاسی در سطح حاکمیت، می‌تواند بر سود دارنده سرمایه، اثرگذار باشد. از اینرو ایجاد امنیت و ثبات سیاسی یکی از الزامات سرمایه‌گذاری مولد به شمار می‌رود و به طور مستقیم بر عملکرد همه بنگاه‌های اقتصادی تأثیر می‌گذارد. برخی از ریسک‌ها نیز تنها به یک صنعت خاص مربوط می‌شوند. نوع دیگری از ریسک، مربوط به مدیریت بنگاه و مسائل داخلی یک بنگاه است و در سطح بنگاه باید به آن توجه ویژه داشت.

اگر یک نفر بخواهد به تنهایی سرمایه‌گذاری انجام دهد باید تمام این ریسک‌ها را بپذیرد، ولی اگر تعداد سرمایه‌گذاران زیاد شود، ریسک سرمایه‌گذاری بین آنها تقسیم می‌شود و مقدار کوچکی از ریسک به هر فرد منتقل می‌شود. به عنوان مثال زمانی که یک بنگاه اقتصادی اقدام به انتشار سهام می‌کند، علاوه بر تأمین مالی فعالیت‌های خود، خطرات ناشی از سرمایه‌گذاری را بین افراد زیادی تقسیم می‌کند، زیرا در صورت زیان‌ده شدن فعالیت، هر فرد باید قسمت کوچکی از آن را پرداخت کند، در حالی که اگر تعداد سرمایه‌گذاران اندک بود، زیان هر فرد بالا می‌رفت و شاید

<sup>۱</sup> از آنجا که تأمین مالی در کشور بانک محور است، لذا در بروشور حاضر بیشتر به این مساله می‌پردازیم.

به همین دلیل افراد تمایلی به تولید کالا و خدمات نداشتند. هرچه یک نظام مالی توسعه یافته‌تر باشد، بهتر می‌تواند ریسک‌های سرمایه‌گذاری را تقسیم یا توزیع کند و بنابراین تولید در زمینه‌های بسیاری امکان‌پذیر می‌شود.

## اهم ویژگی‌های نظام مالی کارآمد

انتخاب روش‌های مناسب تامین مالی، از دغدغه‌های اصلی برنامه‌ریزان اقتصادی است. نظام تامین مالی به عنوان مکمل بخش واقعی اقتصاد، هنگامی می‌تواند به درستی به ایفاء نقش خود بپردازد که از کارایی لازم برخوردار باشد، در غیر این صورت بخش واقعی نیز تحت تأثیر آن، ناکارآمد خواهد شد. اقتصاددانان نظام مالی کارآمد را پیش فرض وجود بازارهای فعال و اثربخش در بخش واقعی اقتصاد می‌دانند. نظام مالی کارآمد در عمل به وظایف خود، سرعت و دقت بالایی دارد و هزینه‌های مرتبط با تامین مالی را به حداقل ممکن می‌رساند. اهم ویژگی‌های یک نظام تامین مالی کارآمد به شرح زیر است:

- ۱- جذب پس‌اندازهای مردم و تخصیص آن به سرمایه‌گذاران با حداقل هزینه و حداکثر سرعت انجام می‌شود و در ارائه خدمات مالی هیچگونه تبعیض بین متقاضیان وجود ندارد.
- ۲- خطرات و زیان‌های انجام فعالیت تولیدی قابل تقسیم بین دارندگان سرمایه است.
- ۳- اطلاعات مورد نیاز برای فعالان اقتصادی به طور شفاف و عادلانه با حداقل هزینه در دسترس متقاضیان قرار می‌گیرد و اطلاعات محرمانه وجود ندارد. در این وضعیت، تمام اطلاعات موجود است و هیچ فردی نمی‌تواند به علت در اختیار داشتن اطلاعات خاصی که دیگران ندارند، سود بیشتری به دست آورد.
- ۴- هزینه تامین مالی به درستی تعیین می‌شود؛ مثلاً اگر بنگاهی متقاضی دریافت وام از بانک باشد، می‌تواند این وام را با نرخ‌های واقعی و عادلانه و نه نرخ‌های سلیقه‌ای و مصنوعی دریافت کند.
- ۵- خدمات مالی از تعدد و تنوع برخوردار است و به طور کامل ارائه می‌شود. به عبارت دیگر، اگر یک بنگاه نتوانست از یک روش مشخص سرمایه مورد نیاز خود را تامین کند،

روش‌های متعدد دیگری برای تأمین مالی وجود دارد که بنگاه مورد نظر با توجه به شرایط خاص خود می‌تواند به بهترین شکل منابع مالی خود را جذب نماید.

## اهمیت و ضرورت تأمین مالی تولید

وجود منابع مالی کافی یکی از شروط لازم برای رشد و توسعه اقتصادی و پشتیبانی از نظام تولید به شمار می‌رود. مشکلات ناشی از کمبود نقدینگی بخش‌های تولیدی، اهمیت تأمین مالی را بیش از پیش آشکار می‌سازد. نظام تأمین مالی با جذب منابع مورد نیاز برای اجراء و راه‌اندازی طرح‌های تولیدی، به تحرک این بخش کمک می‌کند. تأمین مالی تولید از جهات مختلفی دارای اهمیت است. نخست آنکه، سطح تولیدات یک کشور آنچنان به میزان منابع مالی در دسترس تولیدکنندگان وابسته است که امروزه اقتصاددان‌ها معتقدند بدون برخورداری از یک نظام مالی کارآمد نمی‌توان به رشد اقتصادی دست یافت. به همین سبب، بر توسعه این بخش تأکید کرده و آن را موتور و جزء جدایی‌ناپذیر فرآیند رشد اقتصادی برشمرده‌اند.

تأمین مالی در وضعیت رکود اقتصادی و تنگنای مالی بنگاه‌های اقتصادی، اهمیت دسترسی به منابع مالی را پررنگ‌تر می‌کند. امروزه مشخص شده است که همه اقتصادها در دوره‌هایی دچار رکود می‌شوند. در این شرایط، دولت‌ها سیاست‌های مختلفی را اتخاذ می‌کنند تا اقتصاد هر چه سریع‌تر از رکود خارج شود که یکی از آن سیاست‌ها بسته به منشا رکود، فراهم کردن منابع مالی برای نجات بنگاه‌های تولیدی است.

وجه دیگر اهمیت تأمین مالی بنگاه‌های اقتصادی در به روز کردن فناوری است. در صورت کاهش دسترسی بنگاه‌های اقتصادی به منابع مالی، سطح فناوری و سرمایه‌گذاری در آنها کاهش می‌یابد و از این طریق ظلمات جبران‌ناپذیری به اقتصاد وارد می‌شود.

## نقش بازار سهام در تأمین مالی تولید

کشورهایی که بازار سهام عمیق و رقابتی دارند، می‌توانند بخشی از تأمین مالی بخش حقیقی اقتصاد را از این مسیر جواگو باشند. بازار سهام می‌تواند بخش قابل توجهی از منابع سرمایه‌گذاری

فعالیت‌های مولد را تامین کند. لازمه کارکرد صحیح بازار سهام منوط به شفافیت و تقارن اطلاعات و کارآمدی مقررات و نظارت درست بر این بازار است.

اگر بازار سهام دارای ساختاری غیررقابتی، غیرشفاف و با اطلاعات نامتقارن باشد، نمی‌تواند برای بخش تولید اثربخش باشد. زمانیکه وزن فعالان حقوقی در مقایسه با افراد حقیقی بسیار بیشتر باشد، حقوقی‌ها با اعمال نفوذ می‌توانند باعث حرکت شاخص‌های بورس، متفاوت از شاخص‌های اقتصاد کلان و چرخه‌های تجاری شوند. در چنین شرایطی به جای اینکه بورس در خدمت تولید و فعالیت‌های مولد قرار گیرد، در خدمت حداکثرسازی منافع گروهی خاص و سهامداران حقوقی بزرگ قرار می‌گیرد. چنانچه بورس به تجهیز منابع بنگاه‌های اقتصادی منتج نگردد، ماهیت غیرمولد پیدا خواهد کرد و محلی برای رفتارهای سوداگرانه می‌گردد.

بازار بدهی نیز در کنار بازار سهام یکی از ارکان نظام تامین مالی در برخی از کشورهای دنیا به شمار می‌رود. هدف این بازار ایجاد مکانیزمی برای تامین مالی کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت است.<sup>۱</sup>

## نقش بانک‌ها در تامین مالی تولید

در بسیاری از کشورها، بانک‌ها در تامین مالی دارای بیشترین سهم و نقش کلیدی هستند. همانگونه که قبلاً اشاره شد، بانک‌ها به عنوان واسطه‌گران مالی، منابع مالی مازاد اقتصاد را جمع‌آوری می‌کنند و به فرصت‌های سرمایه‌گذاری و تولیدی تخصیص می‌دهند.

بانک‌ها در سطح خرد مانند یک بنگاه هستند که باید به سود و زیان و انضباط مالی خود توجه داشته باشند و در مقابل از نگاه کلان، یک نهاد اجتماعی به شمار می‌روند که باید چارچوب نیازها و مقتضیات بخش حقیقی اقتصاد باشند. اگر بانک‌ها فقط بخواهند مانند یک بنگاه خرد عمل کنند، یعنی هدف آنها صرفاً حداکثر کردن سود خود باشد، از وظیفه اصلی خود منحرف می‌شوند و ممکن است وارد فعالیت‌هایی شوند که بخش حقیقی اقتصاد را با مشکلاتی مواجه سازند، فعالیت‌های سوداگرانه را تقویت کنند و سبب بی‌ثباتی و بدتر شدن فضای کسب‌وکار

<sup>۱</sup> با توجه به اینکه این بازار در کشور ما چندان توسعه یافته نیست، در این نسخه به آن پرداخته نخواهد شد.

شوند. بنابراین، بانک‌ها مانند هر نهاد دیگری در صورت کارکرد صحیح می‌توانند باعث شکوفایی و اعتلای اقتصاد یک کشور شوند و موانع را از سر راه تولیدکنندگان بردارند و در عین حال می‌توانند به تنگناها و مشکلات بخش‌های تولیدی دامن بزنند و اقتصاد را به ورطه بی‌ثباتی‌های گسترده و مزمن بکشانند.

در صورتی که بانک‌ها نقش خود را به درستی ایفا کنند، هم تولیدکنندگان و هم بانک‌ها منتفع خواهند شد، در غیر اینصورت ممکن است در کوتاه‌مدت منافع زیادی نصیب بانک‌ها شود، ولی در بلندمدت کل اقتصاد متضرر خواهد شد و عدم تعادل‌های جدی در اقتصاد ایجاد می‌گردد. نقش بانک مرکزی در نظارت و ایجاد تعادل بین وظایف سطح خرد و کلان بانک‌ها بسیار حیاتی است.

تجربه کشورهای موفق صنعتی نظیر ژاپن و آلمان، نشان می‌دهد که چنانچه نظام بانکی در خدمت رشد تولید و رفع موانع تولیدکنندگان گام بردارد، رونق اقتصادی، بهبود فناوری، افزایش کیفیت محصولات و همچنین رشد سرمایه‌گذاری را در پی خواهد داشت و هرگاه این نظام به دنبال سوداگری و فعالیت در بخش‌های نامولد بدون توجه به بخش حقیقی اقتصاد باشد، اقتصاد با عدم تعادل‌های جدی و بی‌ثباتی مواجه خواهد شد.

## اهمیت چارچوب نهادی اقتصاد در تأمین مالی تولید

بستر نهادی حاکم بر اقتصاد در نحوه عملکرد نظام تأمین مالی بسیار موثر است. نهادهای طبق تعریف "داگلاس نورث"<sup>۱</sup>، قواعد بازی در جامعه هستند. نهادها قیودی هستند که روابط و تعاملات متقابل انسان‌ها با یکدیگر را شکل می‌دهند و عملکرد بلندمدت اقتصادها را تبیین می‌کنند. اگر چارچوب نهادی مشوق تولید و سرمایه‌گذاری باشد، منابع به سمت تولید هدایت می‌شود، اما اگر فعالیت‌های غیرمولد و سوداگری را ترغیب نماید، بیشتر منابع و توان بازیگران اقتصادی صرف اینگونه فعالیت‌ها می‌شود و رشد باکیفیت و پایدار محقق نمی‌شود.<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> Douglass North

<sup>۲</sup> برای توضیحات بیشتر به بروشور شماره ۱۳ با عنوان "نهادها و تولید" مراجعه نمایید.

یکی از اصلی‌ترین کارکردهای چارچوب نهادی مشوق تولید، کاهش هزینه‌های مبادله<sup>۱</sup> است. نوآوری‌های نهادی، مانع افزایش غیرمستعارف هزینه‌های مبادله در یک اقتصاد می‌شوند. زمانی که نهادها مشوق تولید نباشند، ریسک فعالیت‌های تولیدی به دلیل هزینه‌های بالای مبادله افزایش می‌یابد و فعالیت در بخش حقیقی اقتصاد، با نااطمینانی و ریسک بالا همراه خواهد شد. در چنین شرایطی، نظام مالی نیز متأثر از چارچوب نهادی ناکارآمد، عملکرد توسعه‌ای نخواهد داشت. به عبارتی در چارچوب نهادی مشوق فعالیت‌های غیرمولد، نظام مالی و به طور خاص بانک‌ها نیز در خدمت تولید نخواهند بود و بیشتر فعالیت‌هایی را تأمین مالی می‌کنند که دارای کمترین ریسک و بیشترین بازدهی هستند تا سود خود را حداکثر سازند. از این رو به دلیل وجود هزینه‌های مبادله بالا در بخش‌های تولیدی، این منابع به سمت بخش‌های غیرتولیدی سرازیر می‌شوند. اگر چارچوب نهادی کارآمد باشد، هزینه مبادله و به تبع آن، هزینه‌های تولید کاهش می‌یابد و تولید نسبت به سایر فعالیت‌های اقتصادی به صرفه می‌شود. در نتیجه منابع جامعه از جمله منابع مالی به سمت تولیدکنندگان سرازیر می‌شود.

تحت این شرایط، تمامی راه‌حلهایی که معطوف به اصلاح نهادها نیست، به تنهایی نمی‌تواند به اصلاح نظام تأمین مالی و حرکت منابع مالی به سوی تولیدکنندگان بیانجامد.

## نگاهی به وضعیت تأمین مالی تولید در ایران

امروزه بحث تأمین مالی برای بخش‌های تولیدی یکی از دغدغه‌های اصلی برای سیاست‌گذاران و تصمیم‌سازان کشور است. صاحب‌نظران معتقدند مشکل اصلی ما از کمبود منابع نیست، بلکه چگونگی به کارگیری منابع دارای مشکلات اساسی است.

طی حداقل یک دهه اخیر علی‌رغم رشدهای بالای نقدینگی، همواره یکی از گزایه‌های اصلی تولیدکنندگان، مشکل عدم دسترسی به منابع مالی و سرمایه در گردش بوده است. این پدیده که

<sup>۱</sup> هزینه مبادله، هزینه‌هایی برخاسته از چارچوب نهادی هستند. برخی از نمونه‌های این نوع هزینه‌ها شامل هزینه‌های عقد قرارداد، هزینه کسب اطلاعات در مورد ویژگی‌های مهم کالا یا خدمت مورد معامله و هزینه تضمین و اجرای قرارداد است. هرچه چارچوب نهادی کارآتر باشد، هزینه‌های مبادله کاهش می‌یابد. و بالعکس (رجوع شود به بروشور نهادها و تولید).

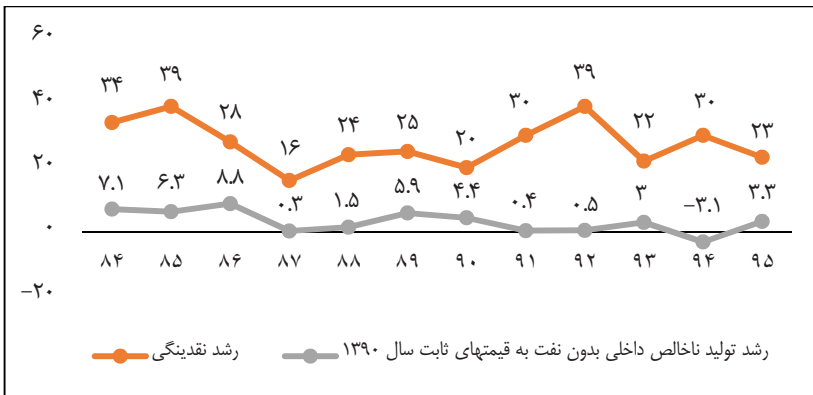




تحت عنوان "معمای نقدینگی" مطرح می‌شود، نشان دهنده این واقعیت است که صرف وجود منابع مالی فراوان در اقتصاد به معنای بهره‌مندی بخش‌های تولیدی از این منابع نیست.

همانطور که در نمودار (۱) قابل مشاهده است، طی سال‌های گذشته با وجود رشدهای بالای نقدینگی، رشد تولید بدون نفت قابل توجه نبوده و در سال‌هایی نیز با رشدهای منفی همراه بوده است. چنانچه نقدینگی در خدمت تولید قرار می‌گرفت، وضعیت رشد اقتصادی از آنچه در نمودار ترسیم شده است، متفاوت بود. رشد سال ۹۵ نیز بیشتر متأثر از درآمدهای نفتی و رفع تحریم‌ها بوده است.

نمودار(۱): نرخ رشد نقدینگی و تولید ناخالص داخلی به قیمت سال پایه ۱۳۹۰ (درصد)<sup>۱</sup>



منبع: بانک مرکزی ج.ا.ی.

بررسی شرایط تأمین مالی تولید در ایران در یک افق بلندمدت، حاکی از آن است که مسائل این حوزه، مشکلات و چالش‌های تازه‌ای نیست، بلکه از دیرباز وجود داشته است. ریچارد بندیک، عضو گروه مشاوران هاروارد در ایران، بیش از ۵۰ سال پیش در کتاب خود با عنوان "تأمین مالی

<sup>۱</sup> بنا بر اعلام بانک مرکزی ج.ا.ی. به دلیل اضافه شدن اطلاعات چندین بانک و موسسه اعتباری به آمار نقدینگی در سال ۱۳۹۲، رشد نقدینگی در این سال قابل مقایسه با سال‌های قبل و بعد از آن نیست.



تولید در ایران " تجربیاتی را بیان می‌کند که به نظر می‌رسد همچنان به عنوان مسائل اصلی اقتصاد کشور پابرجاست. برخی از مواردی که وی به آنها اشاره داشته، در ادامه آمده است:

۱- در اقتصاد ایران کمبود منابع مالی وجود ندارد، ولی به دلیل اینکه بیشتر این منابع صرف فعالیت‌های با بازده بالا و غیرتولیدی می‌شود، تولیدکنندگان با کمبود منابع مالی روبرو هستند.

۲- نظام بانکی در ایران بیش از اندازه عریض و طویل شده است، ولی وام‌دهندگان معمولاً با دغدغه‌های تجاری کوتاه‌مدت و سفته‌بازی اعتبارات، سرگرم هستند. بانک‌ها از تأمین سرمایه‌درگردش صنعتی گریزانند و عملیات کوتاه‌مدت و سودآور خود را به تأمین سرمایه‌درگردش صنایع ترجیح می‌دهند.

۳- زیاد بودن نرخ‌های بهره به تداوم کاستی‌ها در زمینه سرمایه‌درگردش کارخانه‌ها و بالا رفتن هزینه‌های هر واحد تولیدی دامن می‌زند و رقابت با کالاهای وارداتی را غیرممکن کرده است.

۴- بانک‌های تجاری و بازار در ایران هر دو در کار تأمین مالی تجارت، ساخت و ساز و معاملات مستغلات فعالیت می‌کنند.

۵- بازار سهام در کشورهای توسعه‌یافته موجب تقویت سرمایه‌گذاری می‌شود، زیرا مازاد نقدینگی مردم را گردآوری و به سمت سرمایه‌گذاری سوق می‌دهد، چارچوبی برای نظارت پدید می‌آورد و باعث انتشار اطلاعات می‌شود. اما شیوع بی‌اعتمادی در ایران مانع از تشکیل نهادی این‌چنینی برای یک کاسه کردن سرمایه‌های پراکنده و هدایت آنها به سرمایه‌گذاری خصوصی شده است.

تمامی مشکلاتی که نیم قرن پیش توسط بن‌دیک گزارش شده است، از قبیل بازده بالای فعالیت‌های غیرمولد، نظام بانکی عریض و طویل با انگیزه‌های کوتاه‌مدت و ضد تولید و بالا

بودن نرخ بهره، همچنان پابرجاست که حاکی از قدمت حاکمیت چارچوب نهادی ضدتولید<sup>۱</sup> در کشورمان است.

تسلط نهادهای غیرمولد بر اقتصاد کشور باعث ایجاد و گسترش روزافزون بخش‌های نامولد پربازده و کم‌ریسک شده است که حجم زیادی از منابع مالی را به خود جذب می‌کنند. علت اصلی ایجاد این مسئله آن است که اصولاً منابع مالی به سوی فرصت‌های پربازده‌تر و با ریسک کمتر حرکت می‌کنند. در چارچوب نهادی معیوب، حجم بالایی از فعالیت‌های پربازده و کم‌ریسک در بخش‌های غیرتولیدی وجود دارند که تولیدکنندگان قادر به رقابت با آنها بر سر به دست آوردن منابع مالی نیستند. در نتیجه بخش عمده‌ای از منابع مالی موجود در اقتصاد به سوی بخش‌های غیرمولد سرازیر می‌شوند. شواهد تجربی نیز نشان می‌دهند که در سال‌های گذشته، وجود سودهای بالا در خرید و فروش ارز، سکه، طلا و املاک و مستغلات، منابع زیادی را روانه بازار این دارایی‌ها کرده است.

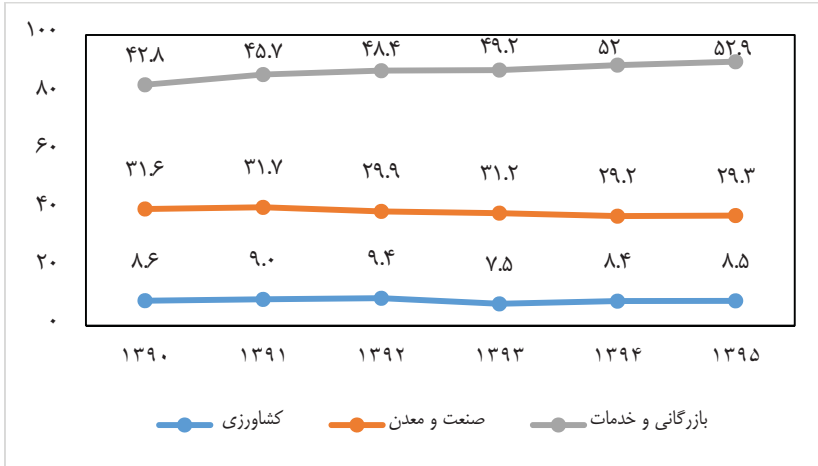
نقش بانک‌ها هم در دامن زدن به فعالیت‌های غیرمولد، به مراتب از آنچه بن‌دیک نیم قرن پیش به آن اشاره داشته، ناگوارتر است. سیستم بانکی کشور به جای آنکه در خدمت بخش‌های مولد اقتصاد باشد، در حمایت و تقویت منافع گروهی خاص عمل کرده است.

در نمودار (۲) به خوبی نشان داده شده است که طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵، سهم بخش صنعت و معدن از دریافت تسهیلات روند نزولی داشته، اما سهم بخش‌های خدمات و بازرگانی از ۴۲٫۸ درصد در سال ۱۳۹۰ به حدود ۵۳ درصد در پایان سال ۱۳۹۵ رسیده است. شایان ذکر است که جنس بخش خدمات در کشور ما با آنچه در کشورهای توسعه‌یافته وجود دارد، متفاوت است. خدمات در کشور ما کمتر از جنس مولد و پشتیبان بخش تولید است و بیشتر فعالیت‌های سوداگری را در برمی‌گیرد و در بسیاری مواقع خود رقیبی برای بخش‌های تولیدی می‌شود و عرصه را برای این نوع فعالیت‌ها تنگ می‌کند.

---

<sup>۱</sup> در بروشور "نهادها و تولید" با بررسی شاخص‌ها به تفصیل نشان داده شد که چارچوب نهادی در کشور، ضد تولید است.

نمودار (۲): سهم سالانه تسهیلات پرداختی بانک‌ها به تفکیک بخش‌ها (درصد)



منبع: اطلاعات بانک مرکزی ج.ا.ا و محاسبه محقق

بانک‌های خصوصی در اعطای تسهیلات به بخش‌های تولیدی، نقش کمرنگ‌تری داشته‌اند. به استناد گزارش فصلنامه بانک وزارت اقتصاد، بیشترین تسهیلات اعطایی بانک‌های خصوصی در سال ۹۳ به بخش بازرگانی (صادرات را شامل نمی‌شود) و خدمات بوده؛ به طوری که سهم مانده تسهیلات به این بخش در پایان اسفند ۹۳، معادل ۶۳,۵ درصد از کل بوده است. این سهم برای بخش صنعت و معدن ۲۶,۹ درصد، برای کشاورزی یک درصد و برای صادرات ۰,۴ درصد بوده است.

بازار سرمایه (سهام) نیز همانطور که بندیک اشاره کرده است، از کارآمدی لازم در تامین مالی بنگاه‌ها برخوردار نیست و دارای عمق و گستره لازم نیست (یعنی برخی بازیگران بزرگ می‌توانند روی آن اثر بگذارند) و از نقائص عمده ساختاری رنج می‌برد. عدم تقارن اطلاعات و عدم شفافیت صورت‌های مالی، این بازار را بیشتر به جولانگاه سهامداران حقوقی و سوداگران تبدیل کرده است.

مشکلات نظام مالی کشور سبب شده است تا طی سال‌های متمادی منابع مالی از بخش تولید منحرف و به بخش‌های غیرتولیدی هدایت شود و در نتیجه مشکل تأمین مالی تولید به یکی از دغدغه‌های اصلی تولیدکنندگان کشور بدل شود.

بر اساس گزارش‌های رقابت‌پذیری مجمع جهانی اقتصاد، همواره مشکل تأمین مالی از مشکلات اولیه فعالان اقتصادی برشمرده شده است. بر اساس آخرین گزارش رقابت‌پذیری (۲۰۱۸-۲۰۱۷) که به تازگی منتشر شده است، از بین ۱۶ مشکل عمده‌ای که فعالان اقتصادی برشمردند، اولین مشکل دسترسی به تأمین مالی عنوان شده است. همچنین رتبه کشور از نظر توسعه بازارهای مالی در این سال، چندان مناسب ارزیابی نشده و نمره ۳ از ۷ (بهترین وضعیت) را کسب کرده است.

**جدول (۱): وضعیت رکن توسعه بازار مالی کشور بر اساس گزارش رقابت‌پذیری ۲۰۱۷-۱۸**

| رتبه در بین ۱۳۷ کشور | نمره از ۷ تا ۱ (بهترین وضعیت) | رکن توسعه بازار مالی                              |
|----------------------|-------------------------------|---|
| ۱۱۵                  | ۳,۶                           | در دسترس بودن خدمات مالی                          |
| ۱۰۴                  | ۳,۳                           | قابل تأمین بودن هزینه استفاده از خدمات مالی       |
| ۹۲                   | ۳,۱                           | تأمین مالی از طریق بازار سهام داخلی               |
| ۱۲۵                  | ۲,۸                           | سهولت دسترسی به وام                               |
| ۸۳                   | ۲,۷                           | در دسترس بودن منابع برای سرمایه‌گذاری مخاطره‌آمیز |
| ۱۲۲                  | ۳,۶                           | استحکام مالی بانک‌ها                              |
| ۱۲۶                  | ۳,۲                           | تنظیم بازار بورس                                  |
| ۱۰۷                  | ۲                             | حقوق قانونی وام دهنده و وام گیرنده (از صفر تا ۱۰) |

Source: The Global Competitiveness Report 2017-2018

گزارش‌های پایش مرکز پژوهش‌های مجلس نیز همواره مشکل دریافت تسهیلات از بانک‌ها، ضعف بازار سرمایه در تامین مالی تولید و نرخ بالای تامین سرمایه از بازار غیررسمی را از جمله اصلی‌ترین مشکلات فعالان اقتصادی عنوان کرده است.

در چنین شرایطی بخش‌های تولیدی به دلیل در اختیار نداشتن منابع مالی کافی و توسعه‌نیافتگی نظام تامین مالی، قادر به فعالیت در خور توجه نخواهند بود؛ به طوری که براساس آخرین آمارهای بانک مرکزی، طی سال‌های ۶۹ تا ۹۳، بخش‌های صنعت و معدن و کشاورزی به ترتیب با میانگین ۱۳٫۷ و ۷٫۳ درصد (به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۸۳)، سهم اندکی از تولید ناخالص داخلی را به خود اختصاص داده‌اند، این در حالی است که ۵۱ درصد از تولید ناخالص داخلی متعلق به بخش خدمات بوده است. همچنین ۸۰ درصد کل تشکیل سرمایه ثابت ناخالص کشور در سال ۹۱ به بخش خدمات تعلق داشته است.<sup>۱</sup>

### نظام بانکی و مشکلات تامین مالی تولید

نظام تامین مالی در ایران همانند بسیاری از کشورها، بانک‌محور است و بازار سرمایه توفیق چندانی در تامین مالی تولید ایفاء نمی‌کند. اگرچه اتکای صرف بر تامین مالی از طریق بانک‌ها مطلوب نیست و باید به دنبال توسعه روش‌های دیگر نیز بود، اما گام مهم‌تر آن است که نظام بانکی کشور در خدمت تولید قرار گیرد؛ زیرا برون‌رفت از شرایط رکودی حاکم بر اقتصاد، منوط به توجه خاص به بخش‌های تولیدی است.

علی‌رغم اینکه سهم بانک‌ها در تامین مالی در ایران بسیار بیشتر از بازار سهام است، اما اگر دقیق‌تر به مساله نگاه کنیم، بانک‌ها وظیفه اصلی خود را انجام نمی‌دهند و بیش از اینکه در خدمت بخش حقیقی اقتصاد باشند، در خدمت بخش‌های غیرمولد هستند. در چارچوب نهادی غیرمولد که بازدهی بخش واقعی اقتصاد، متاثر از هزینه‌های مبادله غیرمتعارف، پایین است و توان بازپرداخت اصل و فرع وام تسهیلات با نرخ‌های بالای سود وجود ندارد، بانک‌ها به سمت تخصیص منابع به بخش‌هایی سوق پیدا می‌کنند که پربازده و زودبازده باشند و توان بازپرداخت

<sup>۱</sup> خدمات در کشور ما کمتر از جنس مولد و پشتیبان بخش تولید است و بخش بزرگی از آن فعالیت‌های سوداگری را در برمی‌گیرد. (رجوع شود به بروشور نهادها و تولید)

اصل و فرع وام‌ها را داشته باشند. در چنین ساختاری، معمولاً فعالیت‌های سوداگرانه و غیرتولیدی چنین ویژگی‌هایی را دارا می‌باشند.

نکته جالب توجه آن است که طی سال‌های اخیر بانک‌ها و به ویژه بانک‌های خصوصی خود نیز در راستای حداکثرسازی سود خود به این فعالیت‌ها ورود پیدا کرده و منابع را روانه این بازارها ساخته‌اند که متعاقباً باعث ایجاد آشفتگی در اقتصاد شده‌اند.

بنگاه‌داری بانک‌ها و اعطای وام به بخش‌های غیرمولد، بخش عظیمی از منابع بانکی را از دسترس بخش حقیقی اقتصاد خارج کرده است. در چنین شرایطی فعالیت‌های غیرمولد اما سودآور با پس‌اندازهای مردم رونق گرفته و رقیبی برای بخش‌های تولیدی شده‌اند. ویژگی فعالیت‌های سوداگرانه آن است که رشد باکیفیت و پایداری را برای اقتصاد به همراه ندارد. رشد فعالیت‌های غیرمولد به قیمت کوچک شدن بخش حقیقی اقتصاد و فعالیت‌های مولد می‌باشد.

گسترش موسسات غیرمجاز نیز طی سال‌های اخیر در دامن زدن به فعالیت‌های غیرمولد و خروج منابع از بخش حقیقی اقتصاد، بسیار موثر بوده است. عدم نظارت بانک مرکزی بر موسسات غیرمجاز، هرگونه کارشکنی را برای این موسسات تسهیل کرده است. این موسسات برای جلب مشتریان بیشتر، اقدام به پرداخت سودهای بیش از نرخ مصوب بانک مرکزی کرده و منابع جمع‌آوری شده را در فعالیت‌های بازرگانی، ساخت و سازهای لوکس و فعالیت‌های سوداگرانه به مصرف رسانده‌اند. در اثر عدم رعایت نرخ سود توسط این موسسات، منابع عظیمی از سپرده‌ها در این موسسات جذب شده که منجر به خروج منابع از بانک‌های رسمی کشور گردیده است.

علاوه بر تمرکز بانک‌ها بر روی وظایف و انگیزه‌های در سطح خرد و بنگاهی و کم‌توجهی به وظایف اجتماعی و در سطح کلان خود، مشکلاتی نظیر فساد بانکی و الزام بانک‌ها به اعطای وام با مبالغ هنگفت به افرادی خاص، بدهی بالای دولت به بانک‌ها و روند رو به افزایش آن، افزایش مطالبات غیرجاری، مقاومت بانک‌ها برای کاهش نرخ سود و عدم نظارت کافی بانک مرکزی بر عملکرد بانک‌ها از دیگر مواردی است که منابع و سپرده‌های مردم را از مسیر تولید خارج کرده است.

همه این موارد از قدرت وام‌دهی بانک‌ها کاسته و تولیدکنندگان را برای دستیابی به منابع بانکی با شرایط سخت‌تر و هزینه‌های بالاتری روبرو ساخته است.

## نتیجه‌گیری

علی‌رغم رشد بالای نقدینگی و عریض و طویل شدن نظام بانکی در یک دهه اخیر، مسئله کمبود منابع مالی برای تولیدکنندگان، یکی از معضلات اصلی بنگاه‌های کشور به شمار می‌رود. ریشه تمامی مسائل نظام مالی و تنگنای تأمین مالی تولید را می‌توان در ضعف نهادها دانست. متأسفانه نهادهای حاکم بر کشور بیش از آنکه مشوق فعالیت‌های تولیدی باشند، در خدمت فعالیت‌های غیرمولد و رقیب فعالیت‌های تولیدی در کشور هستند. در چارچوب نهادی ضدتولیدی، نظام تأمین مالی نیز خود را ملزم به تأمین منابع برای بخش حقیقی اقتصاد نمی‌داند. حاصل این ساختار نهادی معیوب، توسعه بخش‌های غیرمولد با بازده بالاتر و ریسک کمتر نسبت به فعالیت‌های تولیدی است که اکثر منابع مالی را به سمت خود جذب و فضا را برای فعالیت‌های تولیدی تنگ می‌کنند.

نظام بانکی به عنوان مهم‌ترین نهاد تأمین مالی کشور از وظایف کلان خود یعنی تأمین مالی تولید منحرف شده و در طول سالیان متمادی به فعالیت‌های کوتاه‌مدت و غیرتولیدی روی آورده است.

در مجموع به نظر می‌رسد اصلاح رویه فعلی و مقابله با مشکلات تأمین مالی بنگاه‌های اقتصادی نیازمند اصلاح و بازنگری اساسی در چارچوب نهادی کشور است و علی‌رغم اینکه اصلاحات پولی یا مالی در کوتاه‌مدت تا حدودی می‌تواند ثمربخش باشد، اما حل اصولی و بنیادی این مشکلات، نیازمند عزم آحاد جامعه و تغییر و بازنگری اساسی در نظام پاداش‌دهی کشور است. علاوه بر این نقش نهاد پولی کشور در همراستاسازی بانک‌ها با منافع ملی بسیار حائز اهمیت و حیاتی است.



## منابع فارسی

۱. اکرمی، ابوالفضل و بازمحمدی، حسین، (۱۳۹۲)، "تحلیل عملکرد بانک‌ها در تأمین مالی بخش‌های تولیدی"، مجموعه مقالات بیست و سومین همایش سالانه سیاست‌های پولی و ارزی، جلد دوم، پژوهشکده پولی و بانکی، ص ۳۵۹-۳۱۷.
۲. بانک مرکزی ج.ا.ا، (۱۳۹۵)، "نماگرهای اقتصادی"، شماره ۸۷.
۳. بانک مرکزی ج.ا.ا، حساب‌های ملی.
۴. بندیک، ریچارد، (۱۳۹۴)، "تأمین مالی صنعتی در ایران"، مترجم: اصلان قودجانی، نشر نوین طراحان آزاد، به سفارش اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی خراسان رضوی.
۵. جعفری صمیمی، احمد و همکاران، (۱۳۹۲)، "بررسی اثر روش تأمین مالی بر رشد سودآوری بنگاه‌ها در ایران"، فصلنامه علمی-پژوهشی راهبرد اقتصادی، سال دوم، شماره هفتم، ص ۸۱-۱۰۶.
۶. خواجه‌ی، شکرالله و صالحی‌نیا، محسن، (۱۳۹۳)، "محدودیت‌های تأمین مالی و رشد شرکت (مطالعه موردی: بورس اوراق بهادار تهران)"، فصلنامه علمی-پژوهشی حسابداری مالی، سال هفتم، شماره ۲۵، ص ۴۸-۲۹.
۷. دفتر مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی ایران، (۱۳۹۵)، "گزارش پایش محیط کسب‌وکار ایران در زمستان ۱۳۹۵ (ارزیابی ۲۳۲ تشکل اقتصادی سراسر کشور از مولفه‌های ملی محیط کسب‌وکار در ایران)".
۸. شاکری، عباس، (۱۳۹۵)، "مقدمه‌ای بر اقتصاد ایران"، انتشارات رافع، چاپ اول.
۹. شیوا، رضا، (۱۳۸۰)، "اثر تأمین مالی در درازمدت بر رشد و توسعه اقتصادی در ایران"، اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال نهم، شماره ۳۴، ص ۶۵-۳۳.

۱۰. شیوا، رضا، (۱۳۷۸)، "نقش موسسات مالی و اعتباری غیربانکی در کارایی نظام مالی کشور"، دهمین سمینار بانکداری اسلامی: بررسی میانی و روش‌های اجرایی افزایش کارایی در بانکداری اسلامی، ص ۸۵-۱۰۹.
۱۱. نورث، داگلاس، (۱۳۷۷)، "نهادهای و ثمره اقتصادی آنها"، مترجم: مهدی خداپرست، پژوهشنامه بازرگانی، موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، سال ۲، شماره ۵.
۱۲. نیلی، فرهاد و همکاران، (۱۳۹۵)، "نظام تأمین مالی تولید در ایران: تحلیل رابطه بانک و بنگاه"، جلد اول، انتشارات بادبان، به سفارش اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران و پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
۱۳. نیلی، فرهاد و همکاران، (۱۳۹۵)، "نظام تأمین مالی تولید در ایران: تحلیل رابطه بانک و بنگاه"، جلد دوم، انتشارات بادبان، به سفارش اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران و پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
۱۴. وحیدی تورچی، مریم، (۱۳۹۲)، "بررسی نظام تأمین مالی کشور و شناسایی ابزارهای موثر در شرایط تحریم"، مجموعه مقالات بیست و سومین همایش سالانه سیاست‌های پولی و ارزی، جلد دوم، پژوهشکده پولی و بانکی، ص ۱۷۱-۱۴۷.
۱۵. وزارت امور اقتصادی و دارایی: معاونت امور بانکی، بیمه و شرکت‌های دولتی، "فصلنامه بانک: عملکرد بانک‌های دولتی و خصوصی در پایان اسفند ۱۳۹۳"، ناشر: وزارت امور اقتصادی و دارایی.

## منابع لاتین

1. The Global Competitiveness report 2017-2018



## فرم ارزیابی بروشور

۱- مفاهیم ارائه شده در بروشور اقتصاد به زبان ساده را تا چه میزان مفید ارزیابی می‌کنید؟

□ عالی □ خوب □ متوسط □ ضعیف

۲- آیا با تهیه نسخه‌های بعدی بروشور موافقید؟

□ بلی □ خیر

۳- پیشنهادات شما برای بهبود نسخه‌های بعدی بروشور چیست؟

.....

.....

.....

۴- از نظر شما در نسخه‌های بعدی بروشور، بایستی به معرفی چه متغیرها یا مفاهیم اقتصادی پرداخته شود؟

.....

.....

.....

۵- برگزاری چه دوره‌های آموزشی را برای به‌روزرسانی دانش هیئت نمایندگان محترم پیشنهاد می‌نمایید؟

.....

.....

.....

لطفاً این فرم را پس از تکمیل جدا نموده و به دفتر مرکز تحقیقات و بررسی‌های اقتصادی اتاق ایران تحویل فرمایید.



# یادداشت

A series of 20 horizontal dotted lines for writing.



# یادداشت

A series of 20 horizontal dotted lines for writing notes.



